

## منابع اسلامی احکام اقتصادی قانون اساسی ج. ا. ایران

سید احمد رضا دستغیب<sup>۱</sup>، اسدالله کردنایی<sup>۲\*</sup>، مرتضی شهبازی نیا<sup>۳</sup>

- ۱- دانشجوی پسادکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- ۲- استاد، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- ۳- دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۶

دريافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

### چکیده

هدف: هدف اصلی این مقاله در گام نخست پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین اصول قانون اساسی مرتبط با حوزه اقتصادی کشور کدامند و منابع دینی این اصول کدامند؟ در گام بعد نیز مشکلات و موانع اثرگذاری مناسب و مطلوب قوانین اقتصادی در پیشبرد اقتصادی کشور را با هدف ارائه پیشنهادهایی راهگشا بررسی می‌شود.

روش‌شناسی: این پژوهش توصیفی- تحلیلی است و داده‌های آن از منابع اکترونیکی و کتابخانه‌ای استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش: نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که تقریباً تمامی اصول مهم اقتصادی قانون اساسی مستند به منابع دینی بهویژه قرآن کریم هستند. این قوانین به رغم اعتبار دینی و جامعیت نسبی، در مواردی برای اثرگذاری در حوزه اقتصادی با موانعی مواجه بوده و هستند: شفافیت نداشتن در اصطلاحات و تعاریفی چون «مالکیت» از موانع اثرگذاری حداکثری قوانین است. بسیاری از فعالیت‌های بخش شبهدولتی یا نیمه دولتی در نبود قوانین اثرگذار و شفاف، قابل نظرارت مستقیم نبوده و آثار منفی آنها در اقتصاد کشور مشهودند. گسترده‌گی، وسعت مقامیم و اصطلاحات در برخی اصول، موجب تفاسیر و برداشت‌های مختلف شده است که نتیجه موردنظر قانونگذار حاصل نشده است (به عنوان نمونه اصل ۴۴ و بحث خصوصی سازی). تناقض و عدم همخوانی برخی قوانین با یکدیگر و

\* نویسنده مسئول مقاله:



حتی جمله‌های مختلف یک اصل موجب کمرنگ‌شدن تأثیر پیش‌بینی شده است (اصل ۲۸ قانون اساسی که جمله دوم، جمله اول را کمرنگ می‌کند). از طرف دیگر حوزه اقتصادی کشور نیز در نبود شفافیت و انضباط، ماهیتی قانون‌گریز به خود گرفته و از انعطاف و قانون‌مداری دور شده است.

**نوآوری پژوهش:** با توجه به امکان عملیاتی‌شدن اینکه در حوزه حقوق اقتصادی، تعامل بین قانونگذار و فعال اقتصادی (شرکت یا شخص) پرزنگتر شود و در فضایی تعاملی، تصحیح و تنقیح قوانین با هدف حصول انضباط و شفافیت در حوزه اقتصادی در دستور کار قرار گیرد، مدیران حوزه اقتصاد در سطح کلان کشور می‌توانند بسترها لازم را برای پویایی حقوق اقتصادی فراهم کنند.

**واژه‌های کلیدی:** اقتصاد، احکام اقتصادی، قانون اساسی، منابع اسلامی.

## ۱- مقدمه

نظام حقوقی هر کشور سعی در سامان بخشیدن به امور و روابط‌های فردی و اجتماعی تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی دارد. نظام حقوقی کشورها بر پایه اصول و قواعد حقوقی شکل می‌گیرند که هدف آن استقرار نظم، تعادل و درنهایت اجرای حداکثری کارایی و عدالت است. قوانین اقتصادی پشتونه و تضمینی در راستای اعطای حقوق اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی هستند. همین قوانین اقتصادی بخش مهمی از نظام حقوقی کشورها را در بر می‌گیرند که تدوین، تصویب و اجرای آنها نیازمند تأمل و مذاقه در رابطه نظام حقوقی و نظام اقتصادی با توجه به کلیت نظام اجتماعی آن کشور است. بنابراین حقوق اقتصادی شامل اصول، فواعد، قوانین، مقررات و ضوابطی است که نظام اقتصادی را سازمان می‌دهد [۱] بخش عمده نظام حقوق اقتصادی دستوراتی آمرانه و حاکمیتی است و تمامی بخش‌های جامعه ملزم به تبعیت از آن می‌باشد. بنابراین نظام اقتصادی نیز به ناچار باید تمامی فعالیت‌ها و روابط خود را با نظام حقوقی و قوانین اقتصادی مرتبط تنظیم کند. از طرفی نظام حقوقی نیز نمی‌تواند قوانین را بدون درنظرگرفتن واقعیات و روابط اقتصادی کشور وضع کند. بنابراین رابطه‌ای دوسویه بین حقوق اقتصادی و واقعیت‌های اقتصادی کشور برقرار است. نتیجه اینکه شرط تدوین و تصویب قوانین اقتصادی دقیق و راهگشا، توجه به واقعیت‌های اقتصادی است.

همچنین از سوی دیگر پیش نیاز توسعه اقتصادی، داشتن قوانینی کارآمد و منطبق بر واقعیات اقتصادی در حوزه حقوق اقتصادی است.

نظام حقوقی ایران از جمله حقوق اقتصادی، ریشه در مبانی اسلامی دارد. براساس اصل چهارم قانون اساسی تمام قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشند و حتی در مواردی که قاضی حکم مناسبی در قوانین مدونه پیدا نکند، می‌تواند با استناد به منابع معتبر اسلامی حکم صادر کند.

اصول و قواعد حقوقی در حوزه حقوق اقتصادی در ایران نیز از قانون مادر یا همان قانون اساسی جمهوری اسلامی اقتباس شده است. این اصول و قواعد را می‌توان شامل اصل حمایت از مالکیت خصوصی، اصل برابری، اصل رقابت و اصل تناسب دانست. به عنوان نمونه اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از مهم‌ترین اصول قانونی در حوزه حقوق اقتصادی به شرح زیر است: «بخش دولتی شامل تمام صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی نیز شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا براساس خوبایت اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تاجایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است». البته در مورد همین اصل ۴۴ قانون اساسی لازم به ذکر است که هرچند در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (مصوب ۱۳۶۸) بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی [۲] پاشراری شد و فرایند خصوصی‌سازی در برنامه‌های توسعه‌ی بعدی نیز دنبال شد، اما پس از گذشت چند دهه، وضعیت اقتصادی و مالکیتی کشور نشانگر موفقیت نداشتن این اصل در تحقق خصوصی‌سازی به مفهوم واقعی آن بوده است. همچنین «حقوق اقتصادی علاوه بر پوشش حوزه‌های اقتصادی داخلی در روابط اقتصادی بین کشورها نیز مصدق دارد و در میثاق



بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد نیز به آن تأکید شده است» [۳].

این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که مهم‌ترین اصول قانون اساسی مرتبط با حوزه اقتصادی کشور کدامند و منابع دینی این اصول در اسلام کدامند؟ در ادامه نیز مشکلات و موانع اثرباری مناسب و مطلوب این قوانین اقتصادی در پیشبرد اقتصادی کشور را با هدف ارائه پیشنهادهایی راهگشا بررسی می‌کنیم.

## ۲- مهم‌ترین اصول قانونی مرتبط با نظام اقتصادی و منابع اسلامی آنها

اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام، برخوردارند.

### ۲-۱- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۲۰

۱- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنْجِيَّنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل/۹۷) [۴]

از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد درحالی‌که مؤمن است، به تطور مسلم او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، پاداششان را می‌دهیم.

۲- وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (بقره/۲۲۸) [۴]

زنان بر مردان همان حقوقی را دارند که مردان بر زنان دارند که باید به روشنی پسندیده ادا شود، البته مردان بر زنان منزلتی بیشتر دارند.

۳- وَ لَا تُمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا؛ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بَقَهْرَمَانَةٌ (نهج البلاغه/نامه ۳۱) [۵]

امام علی علیه السلام: به زن کاری را که از حد و توان او فراتر است، مسپار؛ زیرا زن گل است نه پیشگار.

اصل ۲۲: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

## ۲-۲- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۲۲

۱- وَلَا تَأْكُلُوا أُمُوَالَكُمْ بِيَنْسُكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُنْذُلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَمَ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أُمُوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره ۱۸۷) [۴]

و مال یکدیگر را به ناحق مخورید و آن را به نزد قاضیان نیفکنید که (به‌وسیله رشو و نور) پاره‌ای از اموال مردم را بخورید با آنکه (شما بطلان دعوى خود را) می‌دانید.

۲- يَا أُيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَيْرِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أُمُوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ (توبه ۳۴/۴) [۴] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان اموال مردم را به ناروا می‌خورند.

۳- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُقْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُ الْفَسَادَ (بقره ۲۰۵) [۴]

و چون برگرد [یا ریاستی به‌دست‌آورد] کوشش می‌کند که در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد.

۴- وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ... (الاسرا ۳۳/۴) [۴]

و نفسی را که خداوند حرام کرده است، جز به حق مکشید.

۵- وَلَا تَقْتُلُوا أُولَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ حِطْنًا كَبِيرًا (الاسرا ۳۱/۴) [۴]

فرزندان‌تان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می‌دهیم، به‌طور یقین کشتن آنان گناهی بزرگ است.

۶- مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى يَتِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِعَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَانَمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (مائده ۳۲/۴) [۴]



به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فسادی در زمین کرده باشد بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است.

۷- وَمَنْ يَقْتُلُ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا (نساء/۹۳/۴)

و هر کس به عمد مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود.

۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ (احزاب/۵۳/۴)

ای کسانی که ایمان آوردید، بدون اجازه وارد خانه‌های پیغمبر نشوید.

۹- يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجَّ وَئِنَّمَا أَبْرُرُ بَأْنَ تَأْتُوا الْبَيْتَ مِنْ طَهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبَرَّ مِنِ اتَّقَى وَأَتَوْا الْبَيْتَ مِنْ أَبْوَابِهَا (بقره/۱۸۹/۴)

(ای پیغمبر) از تو پرسش کنند که سبب بدر و هلال ماه چیست؟ جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات حج و معاملات مردم است و نیکوکاری به آن نیست که از پشت دیوار به خانه درآید (چه این کاری ناشایسته است) ولی نیکویی آن است که پارسا باشید و به خانه‌ها (و به هر کار) از راه آن داخل شوید.

۱۰- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَنَا غَيْرَ مُؤْتَكِمْ حَتَّى تَسْتَأْسِفُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نور/۲۷/۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید.

۱۱- إِيَّاكَ وَالدَّمَاءَ وَسَقْكَهَا بَغْيَرِ حِلَّهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَذْنَى لِنَعْمَةٍ، وَلَا أَغْظَمَ لِتَبْعَثَةٍ، وَلَا أَخْرَى بِزَوَالِ نَعْمَةٍ، وَأَنْقِطَاعَ مُدَّهُ، مِنْ سَقْكِ الدَّمَاءِ بَغْيَرِ حَقَّهَا، وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ مُبَدِّيَ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِيَادِ فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدَّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَا تُقْوِيَنَّ سُلْطَانَكَ بِسَقْكِ دَمِ حَرَامٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُضِعِّفُهُ وَيُؤْهِنُهُ، بَلْ يُزِيلُهُ وَيُنْقِلُهُ، وَلَا عَذْرٌ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا عِنْدِي فِي قَتْلِ الْعَمَدِ (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

[۵]

امام علی (ع): بپرهیز از خون‌ها و خونریزی‌های بهناحق. زیرا هیچ‌چیز، بیش از خونریزی بهناحق، موجب کیفر خداوند نشود و بازخواستش را سبب نگردد و نعمتش را به زوال نکشد و رشته عمر را نبرد. خداوند سبحان، چون در روز حساب به داوری در میان مردم پردازد،



نخستین داوری او درباره خون‌هایی است که مردم از یکدیگر ریخته‌اند. پس مباد که حکومت خود را با ریختن خون حرام تقویت کنی، زیرا ریختن چنان خونی نه تنها حکومت را ناتوان و سست سازد، بلکه آن را از میان برミ دارد یا به دیگران می‌سپارد.

۱۲- لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا (نهج‌البلاغه / نامه [۳۱] [۵])  
بنده دیگران مباش، چراکه خداوند تو را آزاد آفریده است.

۱۳- إِنَّ حُرْمَةَ عِرْضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دِمَهُ وَ مَالِهِ (لتالی‌الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۶)  
پیامبر اسلام (ص): حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال است.

۱۴- كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمَهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ (نهج‌الفضاحه) [۶]  
نبی اکرم (ص): تعرض به جان، آبرو، کرامت، حرمت و حیثیت مسلمان از سوی مسلمان دیگر حرام است.

اصل ۲۸: هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.

اصل ۲۹: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنیستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت موظف است براساس قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی بالا را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

اصل ۳۱: داشتن مسکن مناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بهخصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

### ۳-۲- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۳۱

۱- وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا (نحل / ۸۰) [۴]  
و خدا برای سکونت ( دائم ) شما منزل‌هایتان را مقرر داشت.



اصل ۴۳: اصل چهل و سوم: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر، محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

- ۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشак، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛
- ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاضی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمکر و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص متنه شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد انجام شود؛
- ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل، محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه‌بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛
- ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و اجبار نکردن افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگر؛
- ۵- منع اضرار به غیر، انحصار و احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛
- ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛
- ۷- استفاده از علوم، فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛
- ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
- ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برها ند.



## ۴-۴- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۴۳

### • معاملات حرام:

۱- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ  
[نساء/ ۲۹] [۴]

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید،  
مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد.

### • تمرکز ثروت:

۱- كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ إِنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ . (علق/ ۷-۶) [۴]  
حقا که انسان همین که خود را بی نیاز پندارد، سرکشی می کند.  
۲- مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْبَىٰ فَلِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنِ السَّيِّلِ كَمْ لَا يَكُونَ دُولَةٌ بَيْنَ الْأُغْنِيَاءِ مُمْكِنٌ . (حشر/ ۷) [۴]  
آنچه را که خدا از اموال کافران به رسول خود غنیمت داد، متعلق به خدا، رسول و  
خویشاوندان رسول، یتیمان، فقیران و در راه ماندگان است. این حکم برای آن است که غنایم،  
همیشه دست توانگران نباشد.  
۳- وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الْذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُفْعَلُونَهَا فِي سَيِّلِ اللَّهِ فَبَشِّرُهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه/ ۳۴)  
[۴]

و به کسانی که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، از عذابی دردنگی خبر ده.

### • منع احتکار و تعیین قیمت‌ها:

۱- الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ [۵]

پیامبر اکرم (ص): عرضه کننده متاع موردنیاز مردم از طرف خدا روزی داده می شود و  
محتکر موردلعن خداوند است.



۲- آنَّهُ كَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ إِنَّهُ عَنِ الْحُكْمِ فَمَنْ رَكِبَ الْنَّهْيَ فَأَوْجَعَهُ ثُمَّ عَاقِبَهُ بِإِظْهَارِ مَا إِحْكَمَ [۶]  
امام علی (ع) خطاب به استاندار خود در اهواز نوشت: (تجار را) از احتکار نهی کن. بعد  
کسی را که پس از نهی تو ارزاق عمومی را احتکار کرد، به مجازات دردنگ برسان و سپس  
جزای عملش را ظاهر کردن آنچه که احتکار کرده (برای فروش) قرار بده.

۳- وَاغْلَمْ مَعَ ذَلِكَ، أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضِيقًا فَاحْسَنَا وَ شُخْصًا قَبِيحًا وَاحْتَكَارًا لِلمَنَافِعِ وَتَحْكُمًا  
فِي الْأَيَّاعَاتِ، وَذَلِكَ بَابُ مَضْرَرٍ لِلْعَامَةِ، وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَادَةِ، فَأَنْشَعَ مِنَ الْإِحْتَكَارِ، فَلَمَّا رَسُولُ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - مَنْعَ مِنْهُ - وَلَيْكُنْ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْعًا بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَأَسْعَارَ، لَا تُجْحِفْ  
بِالْفَقِيرِيْقِينَ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبَتَاعِ. فَمَنْ قَارَفَ حُكْمَهُ بَعْدَ تَهْبِيْكِ إِيَّاهُ فَنَكَلَ إِلَيْهِ، وَعَاقِبَهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافِ.  
(نهج البلاغه/ نامه ۵۳) [۷]

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می فرمایند: با این همه بدان که (در میان  
تجار) گروهی هستند که تنگنظر و حریص و بخیل اند. احتکار می کنند و به میل خود برای  
کالای خود بها می گذارند. با این کار به مردم زیان می رسانند و برای والیان هم مایه نگ و  
عیب هستند. پس (آنها را) از احتکار منع کن که رسول الله (ص) از آن منع کرده است و باید  
خرید و فروش به آسانی انجام شود و براساس عدل باشد، به گونه ای که در بها، نه فروشنده  
زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آنکه احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم  
دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران شود ولی کار به  
اسراف نکشد.

#### • ربا:

۱- الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُولُونَ إِلَّا كَمَا يَقُولُ الَّذِي يَتَحَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَاتُوا  
إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَمَ الرِّبَا (بقره/ ۲۷۵) [۴]

رباخواران در روز قیامت برخیزند مگر مانند کسی که شیطان بر او چیره شده باشد. این  
عذاب به آن سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند ریاست در حالی که خدا خرید  
و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است.

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَّا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَتَعَلَّمُوا فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أُمُوْرِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره / ۲۷۸) [۴] (۲۷۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پردا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، واگذارید. و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته اید و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.

۳- لَعْنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْرِّبَّاِ خَمْسَةً آكِلَةً وَمُوْكِلَةً وَشَاهِدَيْهِ وَكَاتِبَهِ [۵] امیرالمؤمنین فرمودند: رسول خدا در مسأله ربا، پنج نفر را لعن کرده است:

الف) رباخوار

ب) وکیل و نماینده ای که باعث شده است تا ربا داده شود.

ج و د) دونفر شاهد بر ربا

ه) کسی که معامله را ثبت کرده است.

#### • اسراف و تبذیر:

۱- وَكُلُوا وَاشْرُبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُ الْمُسْرِفِينَ (اعراف، ۳۱) [۴]

و بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید که او (خداوند) اسرافکاران را دوست نمی دارد.

۲- وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِنْحْوَانَ الشَّيَاطِينِ ... (الاسراء، ۲۶ و ۲۷) [۴]

اسراف بسیار نکنید، که اسراف کنندگان همانا از برادران شیطان هستند.

۳- فَدَعِ الْإِسْرَافَ مُفْصِدًا وَادْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَأَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَقَدْمِ الْفَضْلِ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ (نهج البلاغه، نامه ۲۱) [۷]

نامه ای از حضرت علی (ع) به زیاد: از زیاده روی بپرهیز و میانه روی پیشه کن. امروز به فکر فردایت باش. از مال به قدر نیازت نگه دار و آنچه افزون آید، پیش اپیش برای روزی که بدان نیازمند گرددی، روانه دار.

اصل ۴۴: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل تمام صنایع بزرگ،

صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تاجیکی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط، قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

**اصل ۴۵:** انفال و ثروت‌های عمومی از قبل زمینه‌ای موات یا رهاسده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجھول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبان مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا براساس مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می‌کند.

## ۲-۵- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۴۵

- انفال:

۱- يَسْأَلُونَكُمْ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَإِنَّمَا الَّذِي أَنْهَاكُمْ أَطْيَعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (انفال، ۱) [۴]

از تو درباره انفال (غناائم) پرسش می‌کنند؛ بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است. پس، از (مخالفت با) خدا بپرهیزید و خصوصت‌هایی را که در میان شماست، آشتبه دهید و خدا و پیامبر را اطاعت کنید اگر ایمان دارید.»

۲- وَالْأَنْفَالُ كُلُّ أَرْضٍ خَرْبَةٌ بَدْ أَهْلَهَا، وَ كُلُّ أَرْضٍ لَمْ يَوْجِفْ عَلَيْهَا بَخِيلٌ وَلَارْكَابٌ وَلَكِنْ صَالِحُوا صَلْحًا وَأَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ عَلَى غَيْرِ قِتَالٍ، وَ لَهُ رُؤُوسُ الْجَبَالِ، وَ بَطْوَنُ الْأَوْدِيَةِ، وَالْأَجَامِ، وَ كُلُّ أَرْضٍ مِنْهُ لَارْبُ لَهَا، وَ لَهُ صَوَافِي الْمَلُوكِ مَا كَانَ فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ غَيْرِ وَجْهِ الغَصْبِ، لَأَنَّ الْغَصْبَ كُلَّهُ مَرْدُودٌ، وَ هُوَ وَارِثٌ مِنْ لَا وَارِثٍ لَهُ.

حضرت موسی بن جعفر(ع) می فرماید: انفال عبارت است از تمام زمین‌های ویران شده که صاحبان آن‌ها از دنیا رفته‌اند و تمام زمین‌هایی که بدون جنگ به دست مسلمین افتاده و یا کافران و ستمگران با مصالحه و صلح آن‌ها را واگذار کرده‌اند و همچنین کوه‌ها و آنچه در اعماق بیان‌ها نهفته است و همه نیزارها و همه زمین‌هایی که موات و صاحبی ندارند و اموال خالصه سلاطین که از راه غصب به چنگ آن‌ها نیامده باشد، زیرا هر غصبی باید به صاحب اصلی آن برگردد، همه آنچه که بر شمرده شد مال امام است و امام وارث کسی است که وارث ندارد.

#### • برگرداندن اموال غصب شده دولتی:

۱- وَ اللَّهُ لَوْ وَسَجَدْتُهُ قَدْ تُرْوِجَ بِهِ النِّسَاءُ وَ مُلِكٌ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ . فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْزُ عَلَيْهِ أَصْبِقُ [نهج البلاغه/ ۱۵] [۷]

سخنی از حضرت علی (ع) درباره زمین‌هایی که عثمان در زمان خلافت خود به این و آن داده بود و امام (ع) آنها را به مسلمانان بازگردانید:

به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیاهم، آن را به صاحبیش باز می‌گردانم، هر چند، آن را کایین زنان کرده باشد یا بهای کنیزکان. که در دادگری گشايش است و آنکه از دادگری به تنگ آید از ستمی که بر او می‌رود، بیشتر به تنگ آید.

اصل ۴۶: هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل ۴۷: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل ۴۸: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.



## ۶-۲- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۴۸

• برابری:

۱- استُوْرُوا وَ لَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ

حضرت رسول (ص): برابری را رعایت کنید و تبعیض قائل نشوید که مایه پراکندگی دل‌هایتان می‌شود.

اصل ۴۹: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوہ، اختلاس، سرقت، فمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینه‌ای موات و مباحثات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن مالک به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی، تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل ۵۰: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

## ۷-۲- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۵۰

• محیط زیست:

۱- إن قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدٍ كُمْ فَسِيلَةً، فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا، فَلَيَغْرِسْنَهَا [۸] پیامبر صلی الله علیه و آله: اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه می‌تواند آن را بکارد، باید آن را بکارد.

۲- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ عَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرًا مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَكَرِ الْعَرْسِ [۸]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مردی نیست که درختی بنشاند، مگر اینکه خداوند به اندازه میوه‌ای که آن درخت می‌دهد برایش اجر بنویسد.



۳- من غرس غرساً، لم يأكل منه آدميٌّ و لا خلقٌ من خلقِ اللهِ إلا كان له صدقةٌ [۸]  
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس درختی بکارد، هر بار که انسانی یا حیوانی از محصول آن بخورد، برای او صدقه حساب می شود.

**اصل ۵۱:** هیچ نوع مالیات وضع نمی شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود.

**اصل ۵۲:** بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود، از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می شود. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

**اصل ۵۳:** کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.

**اصل ۵۴:** دیوان محاسبات کشور به طور مستقیم زیر نظر مجلس شورای اسلامی می باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

**اصل ۵۵:** دیوان محاسبات به تمام حساب‌های وزارت‌خانه‌ها، مؤسسه‌ها، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به‌نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می کند که هیچ هزینه‌ای از اعتبارهای مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تعریغ بودجه هر سال را به انصمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می کند. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

### ۳- بحث و بررسی

در بخش پیشین اصول قانونی مرتبط با حقوق اقتصادی و منابع دینی مرتبط با هر اصل به تفکیک بررسی شدند. تقریباً تمامی قوانین اقتصادی مرتبط با حقوق اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای پشتونه‌های محکم از منابع دینی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) هستند. در مواردی که منبع مرتبط با اصلی نیامده است، حتماً برای اصول مشابه آورده و از تکرار پرهیز شده است. این منابع دینی سندي بر استحکام و قابل اتکا بودن قوانین و حقوق اقتصادی

کشور هستند. نکته‌ی جالب اینکه در مواردی که اصل قانونی مهمتر، کلی‌تر و حیاتی‌تر است، پشتونه‌های دینی آن نیز بیشتر و گسترده‌تر و حتی عمیق‌تر هستند؛ به عنوان نمونه اصل ۲۲ که در مورد جان و مال و ناموس مسلمان است، ۱۴ پشتونه برای آن آورده‌ایم.

همان‌گونه که ذکر شد، حقوق اقتصادی منبعث از قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای پشتونه‌های محکم و استوار دینی به‌ویژه قرآن کریم است. هدف نهایی این قوانین تنظیم معادلات، روابط اقتصادی در سطح جامعه به کیفیتی است که منجر به رشد و بهره‌وری اقتصادی و رفاه مردم شود. این نوع نگاه در نظریه‌پردازان اقتصادی نیز رواج دارد؛ جیمز بوکانن<sup>۱</sup>، جرالد اسکالی<sup>۲</sup> و فریدمن<sup>۳</sup> در زمینه بررسی نقش حقوق بر اقتصاد کشور و توسعه آن ابعاد جدیدی از تحلیل‌های اقتصادی را گشوده‌اند، برای مثال نکته کلیدی بوکانن و اسکالی آن است که محتوای قانون اساسی که بیانگر حقوق اقتصادی جامعه است می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که تأمین آن حقوق زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی و یا تأمین‌کننده رقابت و کارایی اقتصادی در جامعه باشد. فریدمن رابطه بین اقتصاد و حقوق و ابعاد آنها را می‌گشاید و بر این نکته تأکید می‌کند که نحوه نگاه قانون به حقوق عاملان اقتصادی می‌تواند تخصیص منابع اقتصادی را در راستای بهینگی موردنظر اقتصاددانان سوق دهد» [۷].

منظور از بهینگی موردنظر اقتصاددان، همان اصل بهره‌وری و کارایی اقتصادی است که در حقوق و اقتصاد جدید به آن توجه شده است. همین اصل بهره‌وری و کارایی از عوامل اساسی توسعه اقتصادی کشور به صورتی پایدار و رفاه عمومی به صورتی گسترده و همه‌گیر است. اصولی که در بسیاری از آیات و روایت‌هایی که پیش‌تر به عنوان منابع دینی اصول قانون اساسی آورده‌یم، به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأکید شده و در قانون اساسی نیز آمده‌اند. دو عامل بهره‌وری و کارایی به عنوان نتیجه اضباط و شفافیت از جدیدترین متغیرهای مؤثر در حوزه اقتصادی هستند که باید در نظام حقوقی کشور نیز به صورتی ویژه مد نظر قرار گیرند. «نکته اساسی حقوق و اقتصاد جدید همانا ورود عامل بهره‌وری و کارایی اقتصادی در شکل دادن به قواعد حقوقی است. درواقع برخلاف حقوق سنتی که قواعد حقوقی را در چارچوب و

1- James M. Buchanan

2- Gerald W. Scully

3- Milton Friedman

برای تأمین عدالت و انصاف می‌دید، حقوق و اقتصاد جدید کارایی اقتصادی را به عنوان هدف و پارامتر اصلی قواعد حقوقی در نظر می‌گیرد و تحلیل‌های خود را از قواعد حقوقی، براساس میزان کارایی ترسیم می‌کند و پیشنهاد ایجاد یا اصلاح قواعد حقوقی را برای نیل به کارایی بیشتر ارائه می‌دهد» [۸]. این همان واقعیت مهمی است که در تنقیح و اصلاح قوانین مرتبط با حقوق اقتصادی کشور باید مدنظر قرار گیرد و تمامی تمرکز و توجه به «انضباط و شفافیت مالی» بهمنظور نیل به کارایی و بهره‌وری حداکثری در اقتصاد باشد. برای رسیدن به چنین اهدافی «قانون‌گذاری» باید با عطف توجه به حداکثرسازی ثروت راهبری شود. هرچند گاهی قانونگذار به علت گروه‌های فشار، موانعی در راه رفتار بازار در جهت حداکثرسازی ثروت پدید می‌آورد [۹؛ ۱۰].

یکی از حوزه‌هایی که نیازمند چنین توجهی است، بحث مالکیت و انواع آن است. از مهمترین اصول قانونی مرتبط با حقوق اقتصادی، اصول ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی است که به مباحث مربوط به مالکیت پرداخته است. اسلام ضمن محترم شمردن مالکیت اشخاص با تفکیک مالکیت به الهی و عمومی و خصوصی برای هر کدام از این موارد توصیه‌ها و اوامر مشخصی مطرح کرده است که در قانون اساسی ما نیز منعکس شده است. اسلام با گونه‌بندی انواع مالکیت و همچنین «با وضع قوانینی سعی بر سامان دادن مبادلات اقتصادی در بین مسلمانان کرده است... و با وضع مقررات مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی، ضمن رشد معنوی و انسانی، احتیاجات و امیال مادی را نیز برآورده می‌کند» [۱۱؛ ۱۲]. منظور از مالکیت نیز عرضیاتی انتزاعی است که از نفس سلطه خارجی حاصل و بین شخص و شیء انتزاع می‌شود. به بیان ساده‌تر «مالکیت – منشأ و ماهیتش هرچه باشد – عبارت است از سلطه‌ای قانونی که مالک آن را اختیاردار چیزی می‌کند و اختیار دیگران را از آن چیز سلب می‌کند» [۱۳].

براساس قانون اساسی، سه نوع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. نکته قابل توجه این است که هرچند قانونگذار انواع مالکیت‌ها را به تفکیک بر شمرده است، اما هر کدام را به گونه‌ای جامع و مانع تعریف نکرده است و همین شفافیت نداشتن موجب مشکلاتی به‌ویژه در بحث بهره‌وری، نظارت و پایش شده است. نتایج حاصل از

پژوهش رنانی و همکاران (۱۳۸۷) در زمینه حقوق مالکیت نشان می‌دهد که «برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی حداقل ۲ درصد، به سهم مخارج حفاظت از حقوق مالکیت بیش از ۳۵ درصد نیاز است. این رقم در حال حاضر در حدود ۵/۸ درصد است» که رقمی بسیار پایین‌تر از حداقل موردنیاز است [۱۴]. همین شفاف نبودن تعریف مالکیت‌ها و گونه‌بندی دقیق آنها چه در حوزه نظری و چه در واقعیت موجب شده است که حقوق مرتبط با انواع مالکیت با عدم‌وضوحی مشکل‌ساز مواجه شود که خود موجب اختلال در حوزه اقتصادی می‌شود چراکه «حقوق مالکیت با وجودی که در ماهیت موضوعی حقوقی است، از ارکان استحکام نظام‌های اقتصادی و سیاسی است و تحکیم این امر حقوقی موجب استحکام سیستم‌های غیرحقوقی می‌شود» [۱۵]. از همین رو شفافیت و دقت در تعریف و تعیین حدود مالکیت و تعهد به اصول قانونی مرتبط با آن و «حفاظت از حقوق مالکیت باعث اباحت سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی، افزایش پسانداز، افزایش کارایی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، کاهش فعالیت‌های رانت‌جویی خصوصی و دولتی و درنهایت تسريع رشد و توسعه اقتصادی و در یک کلام بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود» [۱۶].

با نگاهی به مباحث بیان شده و همچنین وضعیت اقتصادی کشور متوجه می‌شویم که «عملده آسیب‌های نظام حقوق اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران مربوط به نقض برخی از مهم‌ترین اصول حقوق عمومی نظیر اصل حاکمیت قانون، اصل تضمین احترام به قلمرو صلاحیت‌ها، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل پاسخگویی، اصل سازگاری میان مقررات تنظیمی، اصل شفافیت، اصل هدفمندی و نتیجه‌محوری، اصل تناسب، اصل تخصص در فرایند تصمیم‌سازی و اصل رعایت قواعد شکلی، انشایی و نگارشی در تهیه و تنظیم پیش‌نویس مقررات اقتصادی می‌باشد. این آسیب‌ها را می‌توان در چهار بعد خلاصه کرد: آسیب‌های نهادی و ساختاری آسیب‌های تقنیکی و مقررات‌گذاری آسیب‌های کارکردی و اجرایی و در آخر آسیب‌های محیطی و بیرونی» [۱۷]. به این اقدام‌های حقوقی باید انضباط و شفافیت مالی را نیز در حوزه اقتصادی بیش از پیش مورد توجه قرار دهیم. حقوق و قوانین تنها در صورتی به نتایج مطلوب اقتصادی می‌رسند که تأکید آنها بر انضباط و شفافیت مالی به عنوان پیش‌نیازهای مسلم توسعه اقتصادی باشد. به علاوه «با توجه به تعریف و دایره شمول مفهوم توسعه (که ابعاد



متفاوتی دارد و موضوعات بسیاری را در خود جای داده است) برای راهبری توسعه با شاخص‌های موجود آن، رویکرد تنظیمی (سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری) و فراتنظیمی (مقررات، نظارت و کنترل) پیشنهاد می‌شود» [۱۸].

#### ۴- نتیجه‌گیری

در این مقاله حقوق اقتصادی کشور، ریشه‌های دینی و فقهی آن بررسی شده است. پس از بررسی و تأمل در حقوق اقتصادی، میزان موفقیت و اثرگذاری آن در پیشبرد اهداف اقتصادی در سطح سیاست‌های کلان کشور، برنامه‌های توسعه‌ای پنج ساله و منویات مقام معظم رهبری در حوزه‌های اقتصادی بررسی و سپس به نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

قوانين مرتبط با حقوق اقتصادی (که بخش مهمی از حقوق اساسی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند) برپایه شریعت مقدس اسلام و واقعیت‌های اقتصادی اجتماعی کشور تدوین شده‌اند. البته در دوره‌های مختلف و با توجه به تغییرات اقتصادی، این قوانین تا حد امکان مورد تقدیم و تصحیح قرار گرفته‌اند. نکته اینجاست که به رغم تمامی اصلاحات صورت گرفته از طرف قانونگذار و تأکید مسئولان و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور متنج به اهداف پیش‌بینی شده و نتایج مطلوب نشده است. چراً این واقعیت به این موضوع مرتب است که این تصویب و تقدیم‌ها در حوزه نظر و به روی کاغذ می‌مانند و در حوزه عملیاتی، رویه حاکم همچنان همان رویه‌های سابق بوده است. نکته همینجاست که به رغم ابلاغ سیاست‌های کلی و تدوین قوانین اقتصادی جدید در حوزه حقوق اقتصادی و همچنین اصلاح و تنقیح قوانین موجود، برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی کشور به طور عملی به سمت و سوی مطلوب حرکت نمی‌کنند، برای مثال اصل ۴۴ قانون اساسی که با توجه به ضرورت‌ها و واقعیت‌های اقتصادی کشور پررنگ و به روز شد در عمل به خصوصی‌سازی صحیح، کامل و اثرگذار آنگونه که مد نظر رهبری و قانونگذار بوده است، منجر نشد و به خلق شرکت‌ها و مؤسسه‌های شبهدولتی یا نیمه‌دولتی انجامید. شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که دولت با هر درصد سهمی که دارد، سیاست‌گذار و هدایت‌کننده اصلی آنهاست.



نتیجه دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که برخی از حقوق اقتصادی با تغییرات فناوری و روابط‌های اقتصادی جدید، روابط بین‌الملل و تحریم‌های ظالمانه دنیای غرب و دیگر واقعیت‌های اقتصادی دنیای جدید به خوبی هماهنگ و همخوان نیستند. به طور نمونه ما در بسیاری از حوزه‌های نفت و انرژی همچنان برایه قوانین و مقرراتی اقدام می‌کنیم که برای سال‌ها قبل بوده و زمانی تدوین و تصویب شده‌اند که یا کشور تحریم نبوده است و یا اگر تحریم‌هایی هم بوده است، هرگز به این گستردگی و عمق نبوده‌اند.

به روز نشدن و عدم تتفییح قوانین با نگاهی دقیق و راهگشا، باعث شده است تا برخی از قوانین اقتصادی بسیار کلی و نادقيق (حداقل برای زمان کنونی) باشند و همین امر موجب تفاسیر متفاوت و حتی متناقض از یک قانون در موقعیت‌های مختلف می‌شود که خود موجب عدم هماهنگی و ناسازگاری با سایر قوانین می‌شود. بر این واقعیت مواردی را می‌توان افروز که در آن قانون ظاهراً هماهنگ و مناسب تدوین شده است، اما به علت پیچیدگی و ابهام، مجریان نتوانسته‌اند منظور را شفاف و دقیق درک کنند، از این‌رو منجر به اقدام‌هایی نادقيق شده است که با منظور قانونگذار چندان همراه نیست، برای مثال «معیارهایی که برای استقلال بانک مرکزی ارائه شده، همگی در یک چیز مشترک هستند و آن اینکه تنها قانون می‌تواند - حداقل به لحاظ نظری - حدود استقلال بانک مرکزی را تعیین کرده و آن را به دولتمردان تحمیل کند. اما در عمل امکان استقلال بانک مرکزی کشورمان (از لحاظ نظری) به امری دشوار تبدیل شده است». این نکته ما را به این واقعیت هدایت می‌کند که هرچند نیازهای اقتصادی کشور و حتی برخی قوانین به نوعی در پی استقلال حداثتی بانک مرکزی هستند، اما در عمل اختیارهای دولت در عزل و نصب‌های بانک مرکزی، استقلال آن را دشوار کرده است<sup>[۱۹]</sup>. در مواردی نیز برخی قوانین با یکدیگر دچار همپوشانی یا تعارض هستند، برای نمونه اصل ۲۸ قانون اساسی که به آزادی انتخاب شغل اشاره دارد، در بخش دوم دولت را دخالت می‌دهد و خود به خود محدودیت‌هایی پرنگ بر این آزادی بار می‌کند<sup>[۲۰]</sup>. «جمله ابتدایی اصل - هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است ... برگزیند... - با جمله دوم آن - دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون... شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند - تعارض

دارد چراکه در آغاز حق شغل را در صورت تمایل برای افراد آزاد گذاشته و در انتهای دولت را موظف کرده با رعایت نیاز جامعه آن را تأمین کند که این دو با هم تنافض دارند».

نکته قابل تأمل دیگر به درهم تنیدگی بخش‌های مختلف نظام اجتماعی برمی‌گردد که تغییر و تأثیر بر یک بخش، موجب تغییر و تأثیر در سایر بخش‌ها می‌شود. از همین‌رو برخی از ناکارآمدی‌های قوانین اقتصادی به سایر بخش‌های نظام اجتماعی مربوط می‌شود، برای مثال مفاهیمی چون انواع مالکیت (دولتی، تعاقنی و خصوصی) واژه‌هایی مثل انفال، مردمی، عمومی و حتی بیت‌المال تعریف جامع و مانع ندارند و حتی در مراجعته به قوانین مرتبط می‌بینیم که در اصول مختلف معنایی متفاوت از آنها برداشت شده است. همین امر موجب بروز شفاف نبودن در حوزه مالکیت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آن شده است که خود از مهم‌ترین مسائل حقوق اقتصادی در سال‌های اخیر کشور است. به این واقعیت‌ها نبود شفافیت و انصباط مالی در شرکت‌ها و مؤسسه‌های مختلف، اعم از دولتی یا غیردولتی را نیز باید اضافه کرد.

به روز نبودن قوانین اقتصادی کشور موجب شده است که میزان نفوذ سازمان‌های دولتی در حوزه‌های مالکیتی شفاف نبوده و در عمل بیشتر یا حتی گاهی کمتر از آن چیزی است که قانون تکلیف کرده است. همین نکته باعث وابستگی نادرست و ناسالم تمامی فعالیت‌های اقتصادی حتی بخش به‌ظاهر خصوصی، به دولت و تصمیم‌ها و اقدام‌های آن شده است. این واقعیت درنهایت بسیاری از اصول قانونی مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی را کمنگ و حتی ناکارآمد کرده است، به‌گونه‌ای که بهجای رقابت در تولید بهینه و فروش کالا، رقابت شرکت‌ها و تولیدکنندگان بسرگرفتن امتیازهای بیشتر از منابعی است که در اختیار دولت است.

مجلس در دوره‌های مختلف و بسته به طیف نمایندگانی که وارد مجلس می‌شوند، بر موضوعات و حوزه‌های اقتصادی خاصی توجه و تأکید می‌کند که در عمل منجر به تصویب قوانین جدید یا تعدلیق قوانین موجود می‌شود. حاصل این تغییرات این است که برخی از مصوبات، لوایح و شیوه‌نامه‌های جدید، بدون توجه و تأمل در سایر قوانین و روح کلی حاکم بر قانون اساسی مصوب می‌شوند که ممکن است در عمل باعث کاهش کارآمدی سایر قوانین اقتصادی و اثربخشی آنها در جهت اهداف غایی شوند.



همان‌گونه که پیش‌تر نیز تأکید شد، شفافیت نداشتن در حوزه انواع مالکیت و اختیارهای بخش‌هایی چون نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی، اثرگذاری قانون را به جد کاسته و در سایه همین ابهام قانونی، سامان اقتصادی کشور به‌وسیله برخی از این بخش‌ها دچار تنفس و حتی انحراف شده است. تعریف شفاف و دقیق «مالکیت» و تعیین حدود و شعور انواع آن، از اولویت‌های تنقیح و اصلاح قوانین کشور است. تفکیک و تدقیق انواع مالکیت و تنظیم قوانین متناسب در راستای پاسخگو کردن آنها در برابر نهادهای ناظری از اولویت‌هایی است که می‌تواند اقتصاد را منظم‌تر و شفاف‌تر کرده و راه برای حضور و مشارکت بیشتر مردم در اقتصاد و حرکت به سمت «اقتصاد مردمی» هموار کند.

## ۵- منابع

- [۱] شیروى ع. حقوق اقتصادى، تهران، سمت. (۱۴۰۰).
- [۲] كتاب قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران.
- [۳] توتونچيان، م. «جايگاه حقوق اقتصادي اجتماعى در حقوق بشر اسلامى از منظر فقه»، حقوق پژشكى (ويژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندى)، (۱۳۹۸). ۱۳: ۵۷-۷۱.
- [۴] قرآن كريم.  
<https://sid.ir/paper/374680/fa>
- [۵] حر عاملى، وسائل الشيعه، ج ۱۲، كتاب التجاره، ابواب آداب التجاره، باب ۲۷، آل البيت لاحيالتراث، (۱۴۰۹) ه. ق.
- [۶] محمودى، م. نهج السعادة فى مستدرک نهج البلاغه، تصحيح عزيز آل طالب، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ اول. (۱۳۷۶).
- [۷] نهج البلاغه.
- [۸] پاينده، ا. نهج الفصاحه، دنياى نشر. (۱۳۸۲).
- [۹] خداپرست مشهدى م. حقوق اقتصادى در قانون اساسى (رويکرد سیستمى)، دانش و توسعه، (۱۳۸۰). (۱۳) : ۶۱-۸۵.
- [۱۰] کلى، ج. تاريخ مختصر تئوري حقوقى در غرب، ترجمه محمد راسخ، نشر نى. (۱۳۸۲).

[۱۱] بابایی، ا. «مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق»، حقوق و سیاست، ۲۳۹ (ویژه حقوق اقتصادی و تحلیل اقتصادی حقوق)، (۱۳۸۶). صص. ۱۳-۶۰.

<https://sid.ir/paper/98066/fa>

[۱۲] فریبوریگان م، سلیمانی ه، شکرانی ر. «مراحل تاریخی شکل گیری نظام حقوق اقتصادی در قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، (۱۴۰۰). ۱۴(۲) (پیاپی ۲۸): ۲۱۳-۲۳۷.

<https://sid.ir/paper/1009023/fa>

[۱۳] خامنه‌ای س. م. مالکیت عمومی، تهران، انتشارات تولید کتاب. (۱۳۸۶).

[۱۴] رناني م، دلالي اصفهاني ر، صمدی، ع. ح. «رابطه حقوق مالکیت و رشد اقتصادی در چارچوب يك الگوي رشد درونزا»، (۱۳۸۷). ۴۳(۴۳): ۱۷۵-۲۰۶.

<https://sid.ir/paper/12167/fa>

[۱۵] دادگری، بزنگانی ه. «جایگاه حقوق مالکیت در استحکام نظام اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، (۱۳۹۰). ۵۵(۵۵): ۴۷۳-۵۲۴.

<https://sid.ir/paper/91907/fa>

[۱۶] صمدی ح، رناني م، دلالي اصفهاني ر. «مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی»، مطالعات حقوقی خصوصی (حقوق)، (۱۳۸۹). ۴۰(۱) (ویژه‌نامه ۱۰۱): ۱۸۳-۱۸۱.

<https://sid.ir/paper/124782/fa> ۲۰۱

[۱۷] اصغرنیا م، رستمی و. «نقد و آسیب‌شناسی نظام حقوقی تنظیم مقررات اقتصادی ایران از منظر حقوق رقابت»، پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، (۱۳۹۹). ۴(۱۱): ۶۱-۷۶.

[۱۸] صانعی م، پروین خ. «تحلیل حقوقی مداخله یا عدم مداخله دولت‌ها در نظام توسعه در حقوق اقتصادی عمومی»، مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، (۱۳۹۹). ۵۰(۱): ۲۳۹-۲۵۴.

<https://sid.ir/paper/251227/fa>

[۱۹] السان م، نگین‌تاجی ز. «تحلیل حقوقی و اقتصادی استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، دانشنامه حقوق اقتصادی، (۱۴۰۱). ۲۹(۲۱): ۵۰-۸۴.

[۲۰] بیدار ز، عبدالپور فرد، ا. «تأملی بر قلمرو و اهداف اصول حقوق عمومی اقتصادی در پرتو آرای هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری»، مجله حقوقی دادگستری، (۱۴۰۰). ۸۵(۱۱۵): ۴۵-۶۴.

<https://sid.ir/paper/413744/fa>